

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال شانزدهم / دوره جدید / شماره ۵۵ / بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۱۵۱-۱۶۳ (مقاله پژوهشی)

نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در ایالت کرمانشاهان در دوره قاجاریه

• فیض اله بوشاسب گوشه

استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

f.boushasb@yahoo.com

• بهزاد آزادیان

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

bazadyan1355@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶



۱۵۱

نقش علمای شیعی در گسترش تشیع در ایالت کرمانشاهان در دوره قاجاریه

چکیده

مذهب تشیع از زمانی که در قرون اولیه اسلامی وارد ایران شد تا رسمی شدن آن در دوره صفویه همواره روند روبه گسترش و تحول گرایانه‌ای داشت. در این گسترش و تحول نقش علمای شیعه انکارناپذیر است. این علما به‌ویژه در دوره قاجار که مدنظر این پژوهش است با تلاش زیادی این مذهب را از گزند فرقه‌های انحرافی و به حاشیه رانده شدن نجات دادند. در این دوره که عصر فرقه‌سازی و دوران پیدایی و میدان‌داری اندیشه‌های انحرافی محسوب می‌شد، ایالت کرمانشاهان یکی از مهم‌ترین مناطقی است که تحت تأثیر عوامل محیطی و انسانی، پذیرای فرقه‌های مختلف از جمله تصوف، اهل حق و شیخیه بوده است. بنابراین سؤالات اصلی پژوهش حاضر آن است که چرا علمای مذهب تشیع برای گسترش این مذهب کرمانشاهان را انتخاب کردند و نقش آنها در گسترش مذهب تشیع و مبارزه با نحله‌ها و فرقه‌های انحرافی به چه میزان بوده است؟ این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. یافته پژوهش نشان می‌دهد که علمای شیعه با توجه به اینکه کرمانشاهان شاهراه ارتباطی شرق به غرب، نزدیک‌ترین منطقه به عتبات عالیات و مرکز تلاقی ادیان، فرق و نحله‌های مختلف مذهبی بود، این منطقه را انتخاب کردند. آنها از همه ظرفیتهای موجود تبلیغی و ترویجی نظیر شعائر، نهادهای آموزشی و دینی، زیارتگاه‌ها و غیره در جهت تثبیت، نهادینه‌سازی و گسترش مذهب تشیع در ایالت کرمانشاهان بهره گرفته و در این راه موفق عمل کردند، تا جایی که با گسترش تشیع، بسیاری از فرقه‌ها و نحله‌های انحرافی از تکاپوی اولیه افتادن و کم‌فروغ‌تر از گذشته گردیدند. بنابراین نوشتار حاضر در پی آن است که به تحلیل و واکاوی نقش علمای مذهب تشیع در گسترش این مذهب و مقابله آنها با نحله‌ها و فرقه‌های انحرافی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: کرمانشاهان، تشیع، فرقه‌های انحرافی، قاجاریه، علمای شیعی.



مقدمه

ایالت کرمانشاهان از دوره تاریخی تا به امروز یکی از شاهراه‌های ارتباطی مهم ایران با سرزمین میان‌رودان (بین‌النهرین) بوده است. این مرکزیت ارتباطی باعث به وجود آمدن مذاهب، فرق و نحله‌های فکری گوناگونی متأثر از دین اسلام در این ایالت شده بود. از گذشته نیز ادیان مختلفی همچون مسیحیت، یهودیت و زرتشتی در کرمانشاهان وجود داشتند. تلاقی این ادیان و مذاهب مختلف در دوره قاجار باعث به وجود آمدن محیطی مستعد، جذاب و البته مخاطره‌آمیز برای علمای شیعه گردید که تبلیغ و گسترش تشیع یکی از وظایف اصلی آنها بود. فرق و نحله‌های فکری و مذهبی گوناگون در کرمانشاهان باعث شده بود برخی از آنها سمت و سوی انحرافی و خرافی پیدا کنند که می‌توانست چهره دین اسلام را خدشه‌دار و بنیانهای مذهب تشیع را متزلزل نماید. به همین علت بسیاری از علمای شیعی از شهرهای مذهبی عراق و دیگر شهرهای ایران به این ایالت مهاجرت کردند و در جهت گسترش مبانی تشیع دوازده‌امامی و مقابله با فرق و نحله‌های انحرافی گام برداشتند. فرق و نحله‌هایی که با انحراف از دین مبین اسلام و مذهب تشیع اصول و مبانی را ترویج می‌کردند که با تعالیم پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) تفاوت ماهوی داشت. اینکه علمای تشیع از چه روشهایی برای گسترش تشیع و مقابله با فرقه‌های انحرافی در کرمانشاهان استفاده کردند و به چه میزان در رسالت خود موفق بودند، مسئله اصلی این نوشتار است. تاکنون پژوهش علمی و مستندی در مورد نقش علمای شیعی در گسترش تشیع در کرمانشاهان صورت نگرفته است، ولی در سالهای گذشته پژوهشهای کلی انجام گرفته که بخشی از مطالب آن به موضوع فوق مربوط است. برای نمونه وان برویین سن (۱۹۹۹م)، در نوشتاری با عنوان «چگونگی ورود اسلام به مناطق کردنشین»، رواج مذاهب گوناگون اسلامی از جمله مذاهب اهل سنت و شیعه و طریقه‌های صوفیانه را در مناطق کردنشین مورد تحلیل قرار داده است؛ سلطانی (۱۳۸۰ش)، در اثری با عنوان «تاریخ تشیع در کرمانشاه» پیشینه ورود و گسترش

تشیع در کرمانشاه را بررسی کرده است؛ در مقالاتی با عنوان «رویاریبی عالمان دین با فرقه‌های انحرافی در دوره قاجار»، اثر رضوی (۱۳۸۰ش) و «واکاوی فعالیت فرقه‌های شیخیه و بابیه در عتبات عالیات در دوره قاجاریه» نوشته امینی (۱۳۹۳ش)، نیز به تلاش علمای شیعه در گسترش تشیع و مقابله با فرقه‌های انحرافی پرداخته‌اند. هانری فیلد، رشید یاسمی، بابا مردوخ کردستانی و توماس بویس از دیگر نویسندگان و محققانی هستند که در تألیفات خود به آیین، مذاهب و آداب و رسوم مردم کرمانشاهان اشاراتی داشته‌اند. در پژوهش حاضر به موضوع چگونگی ورود تشیع به کرمانشاهان و گسترش آن پرداخته شده است، وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار یاد شده، تمرکز آن بر روی تحلیل و بررسی نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در کرمانشاه و چالشهایی است که این علما برای مقابله با فرقه‌های انحرافی داشته‌اند. بحثی که در آثار فوق مغفول مانده است.

مقاله حاضر از نوع پژوهشهای تاریخی به شمار می‌آید که با توجه به ماهیت موضوع، پژوهشی توصیفی تحلیلی است. موضوع پژوهش براساس گردآوری اطلاعات از منابع تاریخی، به شیوه کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل این اطلاعات بر مبنای پرسشهای مطرح شده به مدد استدلال و استنتاج عقلی، سامان‌دهی شده است.

آیین باستانی مردم کرمانشاهان و پیشینه گسترش تشیع در این ایالت

اطلاعات درباره آیین مردم کرمانشاهان در دوران پیش از ورود آریایی‌ها به سرزمین کرمانشاهان، تاریک و مبهم است، اما پس از آمدن اقوام آریایی به ایران و مناطق کرمانشاهان، از آثار و نشانه‌ها چنان پیداست، اقوام مادی به عنوان اجداد کردها و کرمانشاهیان، مانند سایر اقوام آریایی از آیین مهرپرستی تبعیت کرده، یعنی روشنایی را دوست داشتند و از تاریکیها دل‌تنگ و ترسان بودند^۱. با ظهور زرتشت، مادها به آیین او گرویدند، زیرا ظاهراً زرتشت خود پیامبری مادی بود و کتاب آسمانیش

۱. تاریخ سیاسی و جغرافیایی مردم کرد، ج ۱، ص ۹۲.

اوستا به این زبان بود.

مقارن ظهور اسلام، آنچنان آیین زرتشت در میان کردها گسترش یافته بود که در صلح‌نامه‌های آنان با فاتحان اسلامی، همواره محفوظ ماندن آتشکده‌هایشان از ویرانی و آزاد بودن ایشان در انجام امور عبادی گنجانده می‌شد.^۲ با این حال، مقارن ظهور اسلام، گروهی از مردم کرد نیز متأثر از آیین مانی بودند، زیرا گفته شده مانی (۲۱۶-۲۷۶م) خود از غرب ایران برخاسته و بیشترین پیروانش در مناطق غربی ایران و در نواحی گردنشین قرار داشتند.^۳ به هر حال گرایش به مانویت در میان مردم غرب ایران به ویژه کرمانشاهان با فتح ایران توسط اعراب مسلمان و گسترش اسلام کم‌رنگ شد و مردم کرمانشاهان با فاتحان مسلمان صلح کردند و دین اسلام را پذیرا شدند. بلاذری در این مورد می‌نویسد: سپاه اسلام به فرماندهی جریر بن عبدالله، اکثر مناطق کرمانشاهان را به صلح گشود.^۴

در قرن‌های اولیه اسلامی رفته‌رفته گرایش‌های شیعی در میان مردم کرمانشاهان به وجود آمد. این ایالت یکی از دروازه‌های اصلی ورود اسلام به مناطق مرکزی ایران بود و به تبع آن نیز یکی از کانون‌های مهم ارتباط میان شیعیان شهرهای عراق و نواحی مرکزی به شمار می‌رفت. تردد شیعیان از شهرها و روستاهای این ایالت، موجب آشنایی مردم با عقاید شیعی و گرایش ایشان به مذهب تشیع در قرون اولیه اسلامی بود.^۵ در سال ۱۲۷ ق. که عبدالله بن معاویه هاشمی قیام کرد، به یاری مردم کرد بر حلوان و جبال تسلط یافت.^۶ در زمان غیبت صغری، ارتباط مردم کرد، به خصوص کردهای ناحیه کرمانشاهان با نایبان وکلای ائمه برقرار بود. علامه مجلسی، روایاتی در این باره نقل کرده است که اهل دینور و کرمانشاه فرستادگانی همراه با وجوهات شرعی به محضر امام مهدی(ع) می‌فرستادند.^۷

هنگامی که سلسله آل‌بویه به قدرت رسیدند، از آنجا

که دارای مذهب شیعی زیدی بودند به تمام پیروان اهل‌بیت(ع) به دیده احترام می‌نگریستند و در گسترش آداب و احکام و اصول مذهب شیعه، اهتمام تمام داشتند، بنابراین موجب رواج بیش از پیش مذهب تشیع در کرمانشاهان گردیدند.^۸ با افول قدرت آل‌بویه در سال ۴۴۷ ق و قدرت گرفتن دوباره عباسیان، در کنار ظهور سلسله‌های ترک غزنوی و سلجوقی و کردهای ایوبی سنی مذهب، به مدت دو قرن، فرصت برای گسترش تشیع فقهاتی و مکتبی محدود گشت.^۹

بعد از تأسیس حکومت ایلخانان (۷۵۰-۶۵۴ق) و انقراض حکومت عباسیان به دست هلاکوخان و در نهایت جایگزینی ترکانان به جای مغولان در ایران، عقاید تشیع جانی دوباره گرفت، اما این حیات دوباره در مناطق کرمانشاهان، بیشتر به شکل عقاید افراطی و آمیخته با عقاید کهن و باستانی کردها در قالب و پوششی از افکار و عقاید صوفیانه ظهور کرد.^{۱۰} مرحله دوم گسترش تشیع در میان مردم ایالت کرمانشاهان مربوط به دوران صفویه و قاجاریه است. در این دوران توده‌های بسیاری از مردم، تحت تأثیر عواملی مختلف، شیعه مذهب شدند. از میان این عوامل، تأثیرگذارترین عامل، نقش علمای شیعی در تبلیغ و گسترش مذهب تشیع در دوران قاجاریه می‌باشد که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

نحله‌ها و فرق مختلف کرمانشاهان، چالش علما برای گسترش تشیع

سالیان پیش از به قدرت رسیدن قاجارها، در ایالت کرمانشاهان نحله‌ها و فرق زیادی شکل گرفته بودند که دوره قاجار بر دامنه تبلیغات مذهبی آنها افزوده شد. تنوع فرق و مذاهب در کرمانشاهان به حدی بود که برخی مورخین این ایالت را «هندوستان جهان اسلام» نامیده‌اند.^{۱۱}

این فرق و نحله‌ها در مناطقی از کرمانشاهان که تشیع

۸. تاریخ تشیع در کرمانشاه، ج ۷، ص ۲۸.

۹. همان، ص ۲۹.

۱۰. تاریخ تشیع در کردستان، ص ۱۶۶.

۱۱. همان، ص ۴.

۲. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۱۵۳.

۳. میراث‌جوی نایینی زهر ده‌شت، ج ۳، صص ۴۷-۴۶.

۴. فتوح البلدان، صص ۶۲-۶۱.

۵. از کرمانشاه (قرمسین) تا کرپلا در دو صده گذشته، ص ۲۳.

۶. تاریخ تشیع در ایران، ص ۱۷۰.

۷. رک: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳.





هنوز استحکام زیادی نیافته بود، پیروانی را برای خود دست و پا کردند و بر حقانیت راه و روش خود ایمان داشتند. پیداست که علمای تشیع در مقابل تبلیغات بعضاً نادرست آنها باید با شیوه درستی برخورد و اصول و مبانی شیعه را با زبانی ساده و رسا بیان می‌کردند تا بتوانند در میان مردم مقبولیت کسب کنند. بنابراین آنها به دو شیوه عمل کردند: اول با سکنی‌گزیدن در مناطقی که تشیع گسترش زیادی نداشت، از نزدیک با آداب و سلوک مردم آشنا شدند و با رفتارهای مناسبی که از خود نشان دادند، در نزد آنها به شخصیت‌های مورد احترامی مبدل شدند؛ دوم اصول و مبانی شیعه را برای مردم این مناطق تبیین کردند و با ادله و برهان قاطع بر حقانیت مذهب تشیع نسبت بر دیگر مذاهب منطقه صحنه گذاشتند.

اینک برخی از نحله‌ها و فرق این خطه معرفی می‌گردد: لازم به ذکر است نحله‌ها و فرقی که در دوره قاجار در کرمانشاهان شکل گرفتند، بیشتر منبعث از دین اسلام بودند، اما با تفاسیری که به دلخواه خود از اصول و مبانی این دین داشتند، راه انحرافی را پیش گرفته بودند و تعالیم خاص خود را به پیروانشان آموزش می‌دادند.

(۱) تصوف

تصوف یکی از فرقه‌های پر رونق در کرمانشاهان دوره قاجار بود که بعضی از آن به عنوان فرقه یاد کرده‌اند و بعضی نیز آن را نوعی طریقت باطنی دانسته‌اند، اما به هیچ وجه نمی‌توان از آن به عنوان مذهب یاد کرد بلکه همان‌طور که گفته شد یک رویکرد باطنی در دین است که در بعضی از اصول اعتقادی اسلام منحرف شده است. صوفیان افرادی به ظاهر دیندار بودند که اجباری در آموختن قرآن نداشتند، بنابراین از رهنمودهای کلامی این کتاب آسمانی باخبر نبودند. هم‌چنین آنها تلاشی برای آموختن مفاهیم فقهی نداشتند که این مفاهیم را در زندگی روزمره و اعمال مذهبی خویش به کار گیرند. پیروان اهل تصوف تبعیت کامل از شیخ طریقت و انجام پاره‌ای حرکات موزون و تکرار اوراد و اذکاری جمعی، زیر نظر پیر و مرشد خویش را برای تقرب به خداوند کافی دانسته و آن را نهایت دینداری یک فرد مسلمان می‌دانستند.

ایشان درک اصول و مبانی دین اسلام را شایسته مقام شیخ طریقت دانسته و وظیفه خود را تبعیت از وی اعلام می‌کردند.^{۱۲}

بنابراین مبانی تصوف بر چند شالوده مهم استوار بوده است:

(الف) پست‌انگاری دنیا و گریز از کام‌گیری و بهره‌مندی حد وسط از موهبت‌های زندگی و طبیعت؛

(ب) ریاضت: اختیارکردن فقر و زیاده‌روی در زهد برای رسیدن به سعادت انسانی؛

(ج) عدم توجه به عقل و شانه‌خالی‌کردن از زیر بار فرمانروایی عقل و پناه‌بردن به احساس‌های ذوقی از جمله طریقت‌های صوفیه شایع در مناطق کرمانشاهان در دوره قاجاریه می‌توان به طریقت‌های قادری^{۱۳}، نقشبندی^{۱۴}، خاکساری^{۱۵} و نعمت‌اللهمی^{۱۶} اشاره نمود.

(۲) شیخیه

۱۲. «رویارویی عالمان دین با فرقه‌های انحرافی در دوره قاجار»، ص ۱۰۷.

۱۳. قادریه: پیروان شیخ عبدالقادر گیلانی از مشایخ و عرفای قرن ششم قمری است، وی در سال ۴۷۰ق در بغداد متولد شد و در سال ۵۶۱ق در همان شهر وفات یافت. بعد وفات گیلانی مزارش در بغداد زیارتگاه درویشان شد، اما استقبال عمومی مردم کرد از این طریقت در اواخر قرن دوازدهم قمری اتفاق افتاد.

۱۴. نقشبندی: طریقت نقشبندی در اساس تداوم طریقت خواجگان است که عبدالخالق غجدوانسی (۷۹۱-۷۱۶ق) با اضافه‌کردن اصولی به آن، بهاء‌الدین محمد بخاری (۷۹۱-۷۱۶ق) با اضافه‌کردن اصولی به آن، طریقت نقشبندی را به وجود آورد. این طریقت در اوایل قرن سیزدهم به وسیله عارف کرد، مولانا خالد نقشبندی در مناطق کردنشین ترکیه، عراق، سوریه و ایران انتشار یافت.

۱۵. خاکساری: فرقه‌ای از فقرا منسوب به درویشی موسوم به سید جلال‌الدین حیدر می‌باشد که به همین خاطر به طریقت جلالی نیز معروف است. دلیل ورود این طریقت به ایالت کرمانشاهان، تردد مرشدان این طریقت به طرف اماکن مقدس عراق بود که منجر به اقامت و تبلیغ کسانی از ایشان در این ناحیه شد؛ زیرا آنان ائمه شیعه (ع) را سرچشمه سلوک عرفانی خود دانسته و برای زیارت مرقد‌های آنان به عتبات می‌رفتند.

۱۶. نعمت‌اللهمی: مؤسس آن صوفی نورالدین، نعمت‌الله کرمانی مشهور به شاه نعمت‌الله ولی (د ۸۳۵ق) از اعقاب امام باقر (ع) بود. ورود این طریقت به کرمانشاهان با ورود آقا محمدحسن زرگر اصفهانی (د ۱۲۹۷ق) و اقامت وی در این شهر آغاز شد و سپس با مساعی و ارشاد حاج آقا بزرگ کرمانشاهی (د ۱۳۱۱ق) که خانقاهی در کرمانشاه ساخت، این طریقت صاحب مکانی برای تبلیغ در مناطق کردنشین شد.



پروان شیخ احمد احساسی (۱۲۴۳-۱۱۶۶ق) را شیخیه گویند. اصول عقاید شیخیه به قرار ذیل است:

الف) ائمه اثنا عشر، یعنی علی (ع) با یازده فرزندش، دارای مظاهر الهی بوده‌اند^{۱۷}؛

ب) امام دوازدهم در سنه ۲۶۰ق. از انظار غایب گردید و فقط در برای برقراری عدالت جهانی در آخرالزمان ظهور خواهد کرد، از آنجا که مؤمنین دائماً به هدایت او محتاج می‌باشند و خداوند به مقتضای رحمت کامله خود، باید رفع حوایج مردم را بنماید و امام غایب را در دسترس ایشان قرار دهد، پس باید همیشه بین مؤمنین، یک نفر باشد که بلاواسطه با امام غایب اتصال و رابطه داشته، واسطه فیض بین امام و امت باشد. این چنین شخصی را به اصطلاح ایشان، شیعه کامل گویند^{۱۸}؛

ج) معاد جسمانی وجود ندارد و فقط چیزی که بعد از نبودن بدن از انسان باقی می‌ماند، جسم لطیفی است که ایشان جسم هور قلبیایی گویند. بنابراین شیخیه به چهار رکن از اصول دین معتقدند: ۱. توحید؛ ۲. نبوت؛ ۳. امامت؛ ۴. اعتقاد به شیعه کامل^{۱۹}.

۳) اهل حق (یارسان)

آیین اهل حق، مسلک و آیینی ایرانی است که در پیوند با مناطق کردنشین عراق و گویش کردی گورانی رشد کرده است. این آیین به نامهای آیین یاری، یارسان، اهل حق، آیین حقیقت، دین حق، کاکه‌ای و علی‌اللهی نیز معروف است^{۲۰}. اهل حق ریشه در افکار عرفانی و ادیان باستانی ایران داشته و در دوران اسلامی با رسوخ عقایدی از تصوف و تشیع در اصول عقیدتی آن، رنگ و سیاقی نو به خود گرفته و به صورت عقاید رایج کنونی در میان پروان این مسلک نمود یافته است^{۲۱}. از مدارک و اسناد خطی برجای مانده از پیشینیان این فرقه، چنین

۱۷. همان‌جا.

۱۸. «واکوی فعالیت فرقه‌های شیخیه و بایه در عتبات عالیات در دوره قاجاریه»، صص ۴۸-۱۹.

۱۹. «ظهور و گسترش شیخیه در کرمان در دوره قاجار»، صص ۴۷-۲۴.

۲۰. تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، ص ۴۲.

۲۱. «ژئوپولیتیک فرهنگی؛ تحلیلی بر فرقه اهل حق»، صص ۱۲۹-۱۲۳.

۴- راد: رادمرد بودن و جوانمردی است؛ زیرا معتقدان

۲۲. دوره هفتوانه، جزوی از نامه مینوی سرانجام، ص ۴۱۲.

۲۳. همان، ص ۵۷۳.

۲۴. برهان‌الحق، ج ۲، ص ۲۲.



به این آیین قائل به پیروی از جوانمردی‌های حضرت علی(ع) هستند.^{۲۵}

علاوه بر فرق و نحله‌هایی که در بالا به آنها اشاره شد، مذهب تسنن و ادیانی مانند مسیحیت، یهودیت و زرتشتی نیز در کرمانشاهان پیروانی داشتند. در این میان مذهب تسنن در مناطق عمدتاً مرزی کرمانشاهان با سرزمینهای عثمانی پیروان زیادی داشت.

زمینه‌های رویش و رشد فرقه‌ها در ایالات کرمانشاهان

در پیدایش و رشد فرقه‌ها و نحله‌های انحرافی زمینه‌های فکری، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی اثر گذارند. وقتی مردم به خاطر فقر فرهنگی و دور افتادن از آیین ناب و فقر اقتصادی از پویایی باز ایستند، کم‌کم شرایط برای شکل‌گیری و گسترش نحله‌ها و فرق گوناگون مهیا می‌شود.^{۲۶} اکنون در اینجا پاره‌ای از عواملی که باعث رویش و رشد نحله‌ها و فرق گوناگون می‌شوند را بیان می‌کنیم تا روشن شود در چه جوامعی و در چه شرایطی، گروههای انحرافی، زمینه رویش و رشد پیدا می‌کنند.

۱) ناآگاهی و خردگریزی

در قلمرو اسلامی مهم‌ترین ناآگاهی، ناآگاهی به مبانی دین و آشنایی کامل با آموزه‌های آن است. چون دین همیشه در دسترس بهره‌برداریهایی غلط است، مردم با عشق و باور، بر گرد دین حلقه می‌زنند و اگر از آموزه‌های دین ناآگاهی دقیق نداشته باشند، همیشه رهزنان اندیشه هستند که برای منافع شخصی و گروهی خود، به جای آب، سراب نشان دهند و دام بگسترانند و مردمان را به دام اندازند، همه گروه‌هایی که در بالا نام برده شدند از این زمینه بهره برده و در میان مردم پایگاه زدند.^{۲۷} بنابراین در ایالت کرمانشاهان نیز بسیاری از فرق و نحله‌ها بر جهل عده‌ای مردم سوار می‌شدند و با ترویج اصول و مبانی

خود پیروان زیادی را گرد خود جمع می‌کردند. با نگاهی به جغرافیای کرمانشاهان متوجه می‌شویم بیشترین پیروان فرق و نحله‌های انحرافی در مناطق دور افتاده و کوهستانی بودند، مناطقی که از مرکز دور بودند و افراد آگاه به اصول دین و باسواد در میان آنها کم بود.

۲) باورهای درست تبیین نشده

مردم به پاره‌ای از باورهای دینی علاقه شدیدی دارند، حال اگر این علاقه با شعور و آگاهی عمیق همراه و هماهنگ نباشد و از سوی دیگر توسط طلایه‌داران مکتب به‌درستی کالبد شکافی نشود، مردم را حیران و سرگردان می‌کند و در وادی ناآگاهی رها می‌سازد. باور به حضرت مهدی(عج) و اینکه روزی ظهور خواهد کرد از باورهای ژرف و ارکان استوار شیعه است. این باور اگر با آگاهی همراه باشد، همیشه و در هر زمان، انقلاب آفرین، ستم سوز و سبب بیداری ملت‌ها خواهد بود، اما اگر زوایای قضیه برای مردم روشن نباشد، آنها با هر موجی، خود را همراه می‌سازند و بی‌اختیار از مسیر هدایت خارج می‌شوند.^{۲۸}

۳) تکلیف‌گریزی

در بین پیروان هر مکتبی، کسانی هستند که شوق و انگیزه گردن نهادن به باید‌ها و نبایدهای دین ندارند و همیشه تلاش می‌کنند از زیر بار تکلیف، شانه خالی کنند؛ اما توجیهی ندارند و در صورت عدم پایبندی به دستورات دین، از جامعه و خانواده رانده می‌شوند. این چنین افراد در جامعه دینداران خود را زندانی می‌پندارند و همیشه برای خود راه فراری می‌جویند؛ از این رو با هر جریان و حرکتی که مسئولیت‌گریزی اینان را توجیه کند، همراه می‌شوند. رهبران گروه‌ها و فرقه‌ها نیز زیرکانه از این از مردمان، بهره می‌برند و با تسامح و نادیده گرفتن شمار پیروانشان، بهره می‌برند و با تسامح و نادیده گرفتن بسیاری از باید و نبایدهای شرعی، به هدفهای خود دست می‌یابند. برای نمونه صوفیان معتقدند، تکالیفی چون: نماز، روزه و زکات راهی است برای تهذیب اخلاق و سالک راه، چون صوفی به حق واصل شد، این تکالیفها از او برداشته می‌شود. از این روی، همیشه، فقیهان آماج هجوم

۲۵. «تحقیقی پیرامون فرقه اهل حق»، ص ۴۹.

۲۶. «رویارویی عالمان دین با فرقه‌های انحرافی در دوره قاجار»، ص ۷۸.

۲۷. همان، ص ۱۰۷.

۲۸. همان، ص ۱۰۸.

این گروه‌های بی‌پروا بودند. آنها با ستایش از فرقه و خانقاه، فقیهان را قشری و ظاهری می‌خوانند و فقیهانی چون بهبهانی را که با اعتقادات صوفی مسلکها درافتاده بود، مخالف با راه آزادی قلمداد می‌کردند.^{۲۹}

۴) پشتیبانی دربار

دربار قاجار در تلاش بود که کسانی را جایگزین علما و فقیهان راستین بکند، تا بتواند راحت‌تر و بدون دغدغه حکومت کند، از این روی در میان افراد صاحب نفوذ، در پی کسانی می‌گشت که قدرت طلب بودند و برای دستیابی به قدرت و گردآوری مریدان بیشتر، در امور شرعی بسیار سهل می‌گرفتند و یا اینکه از کسانی پشتیبانی می‌کرد که آنان را از چنگ علمای مستقل، روشن ضمیر، بیدار، ضد ستم، متشرع و از همه مهم‌تر دارای طرح برای حکومت و اداره کشور برابر ملاکهای اسلامی، برهاند.^{۳۰}

پادشاهان قاجار علمای بزرگ و آزادی‌خواه و مردم‌دار را رقیب جدی خود می‌پنداشتند و سلطنت خود را از سوی آنان در خطر می‌دید؛ از این روی در پی آن بود ایشان را از صحنه خارج و کسان دیگر را به صحنه بیاورد و این حرکت را نیز به‌گونه‌ای انجام دهد که مردم برانگیخته نشوند. در برهه‌ای، دربار به این نتیجه رسید که شیخ احمد احسائی، بهترین نامزد می‌تواند باشد. هم نفوذ کلام دارد، هم در جذب مردم از ید طولایی برخوردار است، هم عقاید ویژه‌ای دارد که می‌توان از آنها بهره‌برداری کرد و از زیر چتر فقیهان و بایدها و نبایدهای آنان رها شد، افزون بر اینها اندیشه سیاسی و حکومتی ندارد. احسائی در سال ۱۲۲۹ق. در سفر زیارت عتبات، وارد کرمانشاه شد و با استقبال مردم و شاهزاده محمد علی میرزا دولت‌شاه، حاکم کرمانشاهان روبه‌رو گشت. حاکم اصرار به اقامت وی در کرمانشاه داشت و با تعهدی که در مورد تدارک سفر هر ساله او به عتبات داد، او را به اقامت راضی کرد. این اقامت احسائی در کرمانشاه به‌جز سفری دوساله به حج

و عتبات، حدود ۱۰ سال به طول انجامید.^{۳۱}

احسائی در طول اقامت خود در کرمانشاه شیخیه را گسترش داد و بنیادهای آن را تقویت کرد. میرزای آغاسی، صدراعظم محمد شاه نیز بسیاری از خانقاههای درویش را بازسازی کرده و به فقیهانی که با صوفیان و درویش، به خاطر رفتار ناسازگار با مبانی و آموزه‌های اسلام، سرناسازگاری داشتند، اهانت می‌کرد و به‌ویژه با محمد تقی برغانی، شهید ثالث، دشمنی می‌ورزید. پرواضح است که طبقه حاکم با علمانی که همیشه در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حاضر بودند، فریضه امر به معروف و نهی از منکر را پاس می‌داشتند و ناهنجاری‌ها را از کارگزاران و طبقه حاکم برمی‌تابیدند و مردم را به حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون فرا می‌خواندند، میانه‌ای نداشتند و اگر با آنان نشست و برخاست داشتند به علت پایگاه استواری بود که در بین مردم داشتند.^{۳۲}

روشن است که دربار قاجار از بیدارگری علمای شیعه در تنگنا بود، از این روی وقتی شنیدند کسانی با ویژگیهای ظاهری عالمان شیعه و مرام غالیگری، از باورها و عقیده‌هایی برخوردارند که می‌توان آنها را علم کرد و در برابر علمای شیعه قرار داد و از مراکز گردهمایی آنان، یعنی خانقاه، در برابر مسجد سوءاستفاده کرد، پشتیبانی نمودند.^{۳۳} یکی دیگر از علت‌هایی که می‌توان برای پشتیبانی دربار از فرقه سازان برشمرد، سرگرم کردن عالمان و فقیهان به جریانهای انحرافی بود که آنان را از رسالت اصلی خویش که همانا تبیین و گسترش مذهب تشیع بود، باز می‌داشت.

۵) استعمار

استعمار برای گسترش دامنه و حوزه قدرت خویش در سرزمینهای اسلامی، همیشه با اسلام، به‌ویژه مذهب تشیع، مشکل داشته است زیرا شیعیان به رهبری علمای خود و

۳۱. شیخ‌گیری، بایگاری از نظر فلسفه، تاریخ و اجتماع، ص ۲۱.

۳۲. «رویارویی عالمان دین با فرقه‌های انحرافی در دوره قاجار»،

ص ۱۰۸.

۳۳. «ارزیابی عوامل اقتصادی، سیاسی و مذهبی در توسعه ساختار شهر کرمانشاه در دوره قاجار با تکیه بر شواهد تاریخی و باستان‌شناسی موجود»، صص ۱۱۲-۱۰۴.

۲۹. تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام، ص ۱۳۱.

۳۰. «ارزیابی عوامل اقتصادی، سیاسی و مذهبی در توسعه ساختار شهر کرمانشاه در دوره قاجار با تکیه بر شواهد تاریخی و باستان‌شناسی موجود»، صص ۱۱۲-۱۰۴.





پیروی از مبانی اصیل دین اسلام همواره سدهای پولادین و استواری در برابر هجومهای سیل آسای استعمار بوده‌اند.^{۳۴} بنابراین استعمار از اینکه نتوانسته است از این راه وارد سرزمینهای اسلامی بشود، کینه‌ای سخت به دل گرفت و به تلاش برخاست تا با فرقه‌سازی در حوزه اسلامی و به‌ویژه در حوزه شیعی و در میان مردمان باورمند، در این سدهای نفوذناپذیر، گسست ایجاد کند، پس فرقه‌سازی را بهترین راه دانست و با ورود به این عرصه به موفقیت‌هایی دست یافت. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که روسیه و انگلیس، در دوره قاجار، در داخل ایران، از این حربه استفاده کرده و بیشترین فرقه‌سازی را داشته‌اند.^{۳۵}

علل ورود علمای بزرگ به کرمانشاهان

تاریخ شیعه سرشار از مجاهدتها و تلاشهای عالمان ربانی و مرزبانان فرهنگ دینی است. یکی از مؤثرترین تلاشهای این بزرگان دین برای ترویج مبانی تشیع، در کرمانشاهان صورت گرفت. بنابراین اگر نقش عالمان شیعه در اصلاح اعتقادات مردم ایالت کرمانشاهان در دوره قاجار را مورد تحلیل قرار دهیم باید گذری به جامعه آن روز کرمانشاهان ببندازیم، جامعه‌ای که آثار تباهی دینی و اعتقادی در آن هویدا بود. یکی از ابعاد این تباهی که اکثریت مردم این سامان در دوران قاجار گرفتارش بودند، زندگی درویشی و صوفی‌گری بود. مهم‌ترین مشخصه این جریان، بی‌اعتنایی به شریعت، ترویج عقاید انحرافی و سرگرم ساختن مردم به قصه و داستان بود که درویشان و قصه‌خوانان برای مردم بیان می‌کردند. آنان شناختی از شریعت نداشتند و تحت لوای طریقت، اعتقاداتی ناشایست در میان مردم شایع کردند، آنچه در برابر این وضع می‌بایست صورت می‌گرفت، انتقال درست مفاهیم دینی و ترویج شریعت در میان مردم بود.^{۳۶}

یادآوری این نکته ضروری است که بعد از سقوط

اصفهان به دست افغانها و به سبب انزوایی که در حد فاصل صفویه و استقرار قاجاریه (۱۲۱۰-۱۱۳۵ق) بر روحانیت شیعه تحمیل شد و سخت‌گیری‌هایی که عموم علما از ناحیه نادرشاه متحمل شدند، سبب تضعیف نهاد مرجعیت تشیع گردید. بنابراین در این برهه از تاریخ، نقش اصلاحی علما کم‌رنگ شد و این امر باعث گردید تا رقیبان علمای شیعه، تحت تأثیر عواملی چند که به بعضی از آنها اشاره شد، خود را تقویت کرده و میدان‌داری کنند، اینجاست که تقویت نهاد مرجعیت و استقلال آن از حکومت، برای رهبران مذهبی مسلم گردید.^{۳۷} لذا در دوران قاجار با انتقال نهاد مرجعیت از اصفهان به عتبات عالیات، اقتدار مرجعیت تشیع احیاء شده و نگاهها از اصفهان به سامرا، نجف و کربلا معطوف شد. علمای دین برای کسب علم و انجام رسالت خود یعنی هدایت مردم رهسپار عراق شدند، اما هنگام عبور از ایالت کرمانشاهان متوجه شدند که گسترش اصول تصوف و طریقت در میان مردم آن‌چنان تعمیق یافته که تقریباً تمامی مردم اعم از باسواد و بی‌سواد، به‌نحوی در دایره یکی از این طریقتها قرار گرفته و این زنگ خطری برای علمای شیعه بود که یکی از پایگاههای مهم تشیع و هم‌چنین مسیر اصلی زوار شیعی را از دست بدهند، مراجع شیعی در عتبات نیز با درک این مطلب که ایالت کرمانشاهان، اصلی‌ترین راه تردد کاروانهای زوار شیعی ایران به طرف شهرهای عراق است^{۳۸}، تمام تلاش خود را برای گسترش تشیع و مقابله با فرقه‌های انحرافی به‌کار گرفتند. برای مراجع قابل قبول نبود که مردم شهرها و روستاهای واقع در میان مراکز مذهبی عراق با شهرهای ایران، مذهبی غیر از مذهب تشیع جعفری داشته باشند؛ علت آن یکی امنیت کاروانهای زوار شیعی و تردد بی‌دغدغه علما و طلاب ایران به سوی مراکز مذهبی و تعلیمی شیعی در عراق و دیگر اینکه کرمانشاهان به عنوان شهری استراتژیک و مهم با منفک شدن از مذهب رسمی کشور، مورد طمع

۳۷. همان‌جا.

۳۸. از کرمانشاه (قرمسن) تا کربلا در دو صده گذشته، ص ۲۴.

۳۴. نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، صص ۳۶۰-۳۵۶.

۳۵. همان، ص ۳۹۱.

۳۶. «نقش اصلاحی عالمان شیعه در دوره صفویه»، صص ۱۰-۵.

دشمنان خارجی همچون عثمانی قرار می‌گرفت. بدین ترتیب مراجع بزرگ تشیع به تشویق علمای برجسته برای اسکان در شهرهای مختلف کرمانشاهان پرداختند. در این دوره علمای بزرگی وارد کرمانشاهان شدند و با اسکان در مناطقی که بیشترین مشکل عقیدتی را داشتند، به دعوت مردم پرداختند. در ادامه نیز علمای عظام شیعی، لزوم تأسیس حوزه‌های علمیه و مدارس در این منطقه را دنبال کردند و با تأسیس مراکز تعلیمی و حوزوی در این شهرها و تبدیل آنها به مراکزی برای جذب طلاب دینی، روند گسترش تشیع در این ناحیه را تثبیت کردند.

فعالیت خاندان و علمای شیعه در کرمانشاهان

هر چند بررسی جامع تاریخ روحانیت شیعه اسکان یافته در مناطق مختلف ایالت کرمانشاهان، خود مستلزم یک تحقیق جامع است و پرداختن به آن در بخشی از یک مقاله، نوعی جفا به فعالیتها و خدمات شایان آنان محسوب می‌شود، اما به حکم ضرورت در این پژوهش به بررسی و تحلیل فعالیتهای برخی خاندانها و علمای شیعی می‌پردازیم که در نواحی کرمانشاهان متوطن شده و در تبلیغ و ترویج تشیع در میان مردم مؤثر بوده‌اند، زیرا این عامل از تأثیرگذارترین علل پذیرش تشیع در بخش‌های وسیعی از نواحی کرمانشاهان بوده است.^{۳۹}

۱) خاندان آل آقا، اولین علمای مهاجر به کرمانشاهان

خاندان آل آقا، از عالمان دینی و شیعی امامیه‌اند که منتسب به آقا محمدباقر بهبهانی اصفهانی (۱۲۰۵-۱۱۶۶ق) هستند. افرادی از این خاندان در کرمانشاه و نهاوند اسکان یافتند، به کرمانشاهی و نهاوندی معروف شده و نقش برجسته‌ای در تبلیغ مذهب تشیع و تأسیس نهادهای شیعی در نواحی کرمانشاهان داشتند.^{۴۰} آقا محمدعلی بهبهانی فرزند ارشد وحید بهبهانی به دستور پدر در سال ۱۱۸۶ق. از عراق به کرمانشاه آمده و در

این شهر اقامت گزید.^{۴۱} دوران فعالیت‌های مذهبی او در کرمانشاهان مقارن با دوران فرمانروایی کریم خان زند، آقا محمدخان و فتحعلی شاه قاجار بود. وی امورات مذهبی کرمانشاه و شهرهای مجاور آن را مدیریت می‌کرد. بیشترین فعالیت او در این منطقه صرف مخالفت با تبلیغات مشایخ تصوف شد و با اقدامات مؤثرش، رشد مسائل طریقتی، به‌خصوص طریقت نعمت‌اللهی در مناطق کرمانشاهان محدود شد.^{۴۲} آقا محمدعلی در سال ۱۲۱۶ق در کرمانشاه فوت نمود و مزارش در این شهر زیارتگاه مردم است. بعد از او برادرش محمد جعفر تا سال ۱۲۵۹ق امورات مذهبی این خاندان را در منطقه مدیریت نمود. دو تن از برادران محمد جعفر، محمد و احمد نیز از علمای برجسته در تبلیغ و ارشاد مردم کرمانشاهان به مذهب تشیع بودند. از دیگر علمای برجسته این خاندان می‌توان به آقا حاج عبدالرحیم (۱۳۰۵-۱۲۲۳ق) اشاره نمود که عمری طولانی به تدریس علوم دینی پرداخت.^{۴۳} خاندان آل آقا از همان اوایل اقامتشان در اواخر قرن دوازدهم قمری تا سال ۱۳۵۷ش، امامت جمعه کرمانشاه را در دست داشته و با تأسیس مساجد، تکایا، مجالس درسی و کتابخانه‌های متعدد، در تبلیغ تشیع و دعوت مردم به پذیرش آن کوشش فراوانی نمودند.^{۴۴}

۲) خاندان حاج آخوند

آیت‌الله ملاحسین حاج آخوند اصالتاً از مردم اصفهان بود، وی در اواخر قرن سیزدهم قمری از اصفهان برای کسب علم راهی عتبات عراق شده و در نجف اشرف تحصیل کرد.^{۴۵} ایشان در محضر استادان بزرگی چون سید محمدحسین یزدی و آخوند ملا احمد خراسانی تلمذ کرد و پس از طی مدارج دینی، به درخواست مردم کرمانشاهان، راهی این شهر شد و به تبلیغ امور دینی و

۴۱. مفاخر کرمانشاه، شرح حال عالمان و فضلاء کرمانشاه، ج ۱، ص ۴۲۰.

۴۲. تاریخ رجال ایران، ج ۱، ص ۴۲۳.

۴۳. «بررسی نقش محبت به اهل بیت در کرمانشاه»، ص ۱۴۸.

۴۴. «نگاهی گذرا به زندگی عالمان کرمانشاهی در قرن سیزدهم،

چهاردهم و پانزدهم هجری قمری».

۴۵. همان جا.

۳۹. تاریخ تشیع در کردستان، ص ۳۵۶.

۴۰. تاریخ تشیع در کرمانشاه، ج ۷ و ۶، ص ۱۴۳.





شرعی پرداخت. پس از مدتی تاجر معروف، حاج محمد تقی اصفهانی مسجدی در کرمانشاهان برای وی بنا نمود و بدین ترتیب اقامت خاندان حاج آخوند در این دیار تثبیت گردید. ملاحسین به شدت مورد اعتقاد مردم کرمانشاهان و علمای آن شهر بود. علت اشتها وی به حاج آخوند، به دلیل ارادتی بود که به آخوند ملاحسین همدانی و آخوند ملا محمد خراسانی داشت^{۴۶}. عده‌ای از اعقابش در کرمانشاه نیز به همین نام مشهور شدند. آخوند ملاحسین در سال ۱۳۴۰ق در کرمانشاه درگذشت و پس از وی، فرزندش آیت‌الله شیخ ملاحسن آخوند، امامت مسجد حاج شهبازخان کرمانشاه را بر عهده گرفت و به تبلیغ و ترویج مذهب تشیع در این دیار پرداخت^{۴۷}.

۳) خاندان فیض مهدوی و نجومی سمنانی

علمای خاندان فیض مهدوی در کرمانشاه از اعقاب ملا محسن بن علم‌الهدی هستند که در اوایل قرن سیزدهم قمری در سفر به عتبات عراق، در کرمانشاه اسکان گزیدند. ملا محسن اولین عالم از خاندان فیض مهدوی است که از کاشان به کرمانشاه هجرت نمود. از جمله اعقاب وی در کرمانشاه، شیخ محمدتقی است. فرزند وی حاج شیخ محمد مهدی فیض مهدوی از اجله علمای و مجتهدان کرمانشاه بود. وی در سال ۱۲۸۷ق متولد شد و پس از طی مدارج مقدماتی تحصیلات و مبادی علوم عربی و اسلامی در کرمانشاه، رهسپار نجف اشرف شد و در محضر علمای بزرگی چون مرحوم ملاکاظم آخوند خراسانی و حاج میرزااحسین تهرانی تلمذ نمود. وی چندین سال قبل از وقوع انقلاب مشروطیت به کرمانشاه بازگشت و با اجازه از محضر علمای نجف و کسب توصیه‌نامه‌هایی از استادان خود به این شهر وارد شد. وی از سوی اهالی کرمانشاه مورد تکریم واقع شده و مردم در مسائل و مشکلات و امور شرعی به او رجوع می‌کردند. شیخ محمد مهدی شخصیتی بسیار متنفذ و توانمند داشت و در نماز جماعتی که به امامت او برگزار می‌شد همواره

۴۶. همان‌جا.

۴۷. همان‌جا.

جمعیت کثیری شرکت می‌کردند. او در انقلاب مشروطه نقش فعالی برعهده داشت و از رهبران انقلاب مشروطه کرمانشاهان به‌شمار می‌رفت. فرزندان آقا محمد فیض مهدوی نیز در کرمانشاهان از علمای معروف و معتبر شهر بوده‌اند و از جمله آنان شیخ محمد جعفر فیض مهدوی و شیخ ضیاء‌الدین فیض مهدوی هستند^{۴۸}.

خاندان نجومی دیگر خاندان بزرگی هستند که برای هدایت و راهنمایی مردم کرمانشاهان وارد این شهر شدند. جد بزرگ این خاندان میرزا اسماعیل سمنانی، در ایام حکمرانی محمد علی میرزای دولتشاه (د ۱۲۳۷ق) به کرمانشاهان آمده و در این خطه رحل اقامت افکند. ایشان پس از تکمیل دروس خود، از کربلا به کرمانشاهان آمده و به دلیل شرایط آب و هوایی و احساس مسئولیت و تکلیف در تبلیغ دین و ارشاد مردم، در آنجا ماندگار شد^{۴۹}. نام خاندان نجومی در کرمانشاه در کنار تبلیغ و اداره امور مذهبی مردم، همواره با تعلیم هنر قرین بوده است، زیرا در میان علمای این خاندان، شخصیت‌های خوشنویس، نقاش و صحاف بسیاری برخاسته‌اند. از خاندان نجومی سمنانی، سید اسماعیل حسینی نجومی (د ۱۲۷۷ق) و سید مرتضی حسینی نجومی (د ۱۳۸۸ش) از چهره‌های ماندگار کشوری در کرمانشاه هستند که در کنار فعالیت‌های اجتهادی و مذهبی، در زمینه خوشنویسی، آثار برجسته و ماندگاری بر جا گذاشته‌اند. کتابخانه شخصی به‌جامانده از سید مرتضی حسینی نجومی در این شهر، حاوی بیست‌هزار جلد کتاب نفیس و نسخه‌های خطی از علوم شریعت و هنرهای زیباست که در نوع خود در کرمانشاه بی‌نظیر بوده و مرکزی ارزشمند برای پژوهشگران این دیار است^{۵۰}. نجومی در کرمانشاهان بارها به دلیل خدمات علمی و فرهنگی خود به جامعه ایران مورد تجلیل مقامات کشور قرار گرفت.

۴) خاندان موسوی اجاق، یکی از خاندانهای پرنفوذ

۴۸. زندگینامه سردار کابلی، صص ۲۱۷-۲۱۶.

۴۹. مفاخر کرمانشاه، شرح حال عالمان و فضایل کرمانشاه، ج ۱،

صص ۲۶۱.

۵۰. تاریخ تشیع در کردستان، صص ۳۶۵.

کرمانشاهان

سادات موسوی اجاق از سلسله سادات سامرای عراق بودند که در دوران محمدشاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰ق) جد سادات مزبور، سید حیدر موسوی از بغداد به میان مردم کلهر در حوالی گیلان غرب مهاجرت کرد. فرزندان وی به منطقه میان دربند دینور آمده و در آنجا میان روستائیان و عشایر کرد منطقه نفوذ بسیار یافتند. حضور این سلسله سادات در بین عشایر، موجب عنایت ایلات و طوایف به احکام و عقاید مذهب تشیع بود^{۵۱}. ظاهراً خاندان موسوی اجاق با درک شرایط منطقه محل اسکان خود را تغییر دادند، زیرا ناحیه میان دربند و دینور محصور در میان مردمانی با مذاهب تسنن و اهل حق بودند، فرقه‌های انحرافی نیز در این منطقه زیاد بود، پس آنها برای اینکه مردم این ناحیه را از گرویدن به دیگر فرق و مذاهب دور نگه دارند، به میان آنها مهاجرت کردند و با نفوذی که در منطقه یافتند به خوبی وظیفه گسترش تشیع در میان مردم را به سرانجام رساندند. این خاندان آنچنان در میان طوایف کرد کرمانشاهان صاحب نفوذ بودند که تاکنون چندین تن از این خاندان به عنوان نماینده مردم کرمانشاه به مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی راه یافته‌اند^{۵۲}.

۵) خاندان جلیلی و محمدی عراقی

یکی از خاندانهای معروف و ریشه‌دار روحانی در کرمانشاهان، خانواده و اعقاب آیت‌الله عبدالجلیل کرکوتی بودند که از ناحیه کرکوک عراق به کرمانشاه آمدند^{۵۳}. ملا عبدالجلیل کرکوتی تحصیلات خود را در کربلا ادامه داده و سالها نزد آقا محمد باقر وحید بهبهانی و علمای شیعه این دیار تلمذ کرد^{۵۴}. ایشان سپس در دیار کرمانشاه متوطن شد و در محله فیض‌آباد کرمانشاه، اولین مسجد شهر را بنا نهاد. ملا عبدالجلیل به علت اینکه پدراناش از بزرگان

سنی مذهب طریقتی عراق بودند، با وجود اینکه خود به مذهب تشیع درآمده بود، با علمای اهل سنت ارتباط خوبی داشت و در کرمانشاهان با آنها حشر و نشر داشت^{۵۵}. وی در ایام پیری، عزلت اختیار کرد و اداره مسجد را به آقا محمد علی بهبهانی (د ۱۲۱۶ق) سپرد که خود مدتها نزد پدرش در کربلا تلمذ کرده بود^{۵۶}.

این خاندان نسلهای پیاپی در تبلیغ و ترویج مذهب تشیع در این دیار تلاش نمودند. شیخ آقا عبدالاحد و شیخ آقا عبدالصمد فرزندان ملا عبدالجلیل، در کرمانشاه به تدریس و تبلیغ امور مذهبی مشغول بوده و از فرزندان این خاندان، شیخ محمد هادی جلیلی در سال ۱۳۲۰ق، اولین حوزه علمیه طلاب شیعی در کرمانشاه را دایر نمود. وی برای نشر حقایق مذهبی یک دارالتبلیغ تأسیس کرده و برای ارشاد و دعوت اهالی روستاها و قصبات اطراف، مبلغینی را به میانشان می‌فرستاد که در گرایش طوایف کرد به پذیرش تشیع موثر افتاد^{۵۷}. علمای بزرگ دیگری از خاندان جلیلی در کرمانشاهان به مرتبه ارشاد مردم رسیدند و منشأ خدمات و تعلیمات اجتماعی و دینی در این ایالت شدند^{۵۸}.

خاندان محمدی عراقی دیگر خاندانی بودند که در میان مردم کرمانشاهان اعتبار زیادی یافتند. شهرستان کنگاور از عهد قاجار محل اسکان و توطن خانواده شیخ محمد باقر کرهرودی (اراکی عراقی) بوده‌است، که مسئولیت امامت جمعه این شهرستان را تاکنون عهده‌دار بوده‌اند^{۵۹}. مراجع بزرگ نجف، به خصوص آیت‌الله میرزای شیرازی (د ۱۳۱۲ق) - صاحب فتوای تحریم تنباکو - در اوایل قرن چهاردهم قمری به درخواست تنی چند از معدود مردم شیعه مذهب کنگاور که برای زیارت به عتبات عراق رفته بودند، آیت‌الله شیخ محمدباقر کرهرودی اراکی را برای تبلیغ

۵۵. همان، ص ۲۶۳.

۵۶. مفاخر کرمانشاه، شرح حال عالمان و فضلاء کرمانشاه، ج ۱.

صص ۲۰۶-۲۰۵.

۵۷. «نگاهی گذرا به زندگی عالمان کرمانشاهی در قرن سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هجری قمری».

۵۸. تاریخ کرمانشاه در عهد قاجار، صص ۱۱۵-۱۱۳.

۵۹. «بررسی نقش محبت به اهل بیت در کرمانشاه»، ص ۱۵۴.

۵۱. تاریخ تشیع در کرمانشاه، ج ۷ و ۶، صص ۶۴۳-۶۴۰.

۵۲. همان، ص ۶۴۳.

۵۳. «نگاهی گذرا به زندگی عالمان کرمانشاهی در قرن سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هجری قمری».

۵۴. تاریخ تشیع در کرمانشاه، ج ۷ و ۶، ص ۱۲۹.





تشیع و اداره امور مذهبی به شهر کنگاور فرستاد. خاندان وی که به محمدی عراقی مشهورگشتند تا به امروز امامت جمعه و مدیریت حوزه علمیه کنگاور را بر عهده داشته و در ترویج مبانی تشیع در این شهر و روستاهای اطراف - که بیشتر ساکنانش را تا اوایل قرن چهاردهم قمری پیروان یارسان (اهل حق) تشکیل می‌دادند- نقشی فعال و برجسته عهده‌دار بوده‌اند.^{۶۰}

خاندان محمدی عراقی در ساخت مساجد، حسینیه‌ها و ترویج نهادهای شیعی در روستاهای اطراف کنگاور بسیار تلاش نموده و به کمک مرجع تقلید نامدار، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی (د ۱۳۶۵ق) یک مرکز فرهنگی به نام مسجد نو - جهت ترویج و نشر معارف و آموزه‌های دینی - در کنگاور تأسیس کردند.^{۶۱} این خاندان از همان آغاز اقامت در کنگاور، نقش به‌سزا و غیرقابل انکاری در گرایش مردم منطقه به پذیرش تشیع داشته‌اند.

یادآوری این نکته ضروری است که تمامی علمای اسکان‌یافته در مناطق ایالت کرمانشاهان، در نوشته‌های خود، بسیار به رساله‌هایی با عناوین رساله فی آداب الصلاة، رساله فی اصول دین، رساله فی التقليد، رساله فی معرفه الامام، شرح دعای کمیل، جوشن کبیر، زیارت عاشورا و جوشن کبیر، توجه داشته که همه این آثار به قصد آشناکردن مردم با اصول و فروع دین و مبانی مذهب تشیع، انجام گرفته است.^{۶۲} حکومت قاجایه در کرمانشاهان رونق اقتصادی را از طریق رفت و آمد زوار به عتبات عالیات دنبال می‌کرد و مساجد، حسینیه‌ها، مدارس حوزوی، ساخت ضریح و بقعه برای امامزاده‌ها و سایر نمادهای شیعی در این ایالت به دوره آنها باز می‌گردد. این اقدامات با تلاش بی‌وقفه علما درهم آمیخته شد و باعث رشد تشیع در این خطه گردید. بنابراین قابل ذکر است که رشد تشیع در این خطه گردید.^{۶۳}

نتیجه‌گیری

۱. در دوره قاجار فرقه‌ها و نحله‌های تصوف (نعمت‌اللهی، خاکساری، نقشبندی، قادری)، اهل حق و شیخیه در میان مردم ایالت کرمانشاهان نفوذ داشته و اکثر مردم این خطه به یکی از این فرقه‌ها پیوسته بودند. عواملی همچون ناآگاهی مردم نسبت به بایدها و نبایدهای دین مبین اسلام، باورهای غلط نسبت به ظهور امام زمان (عج)، تکلیف‌گریزی در میان پیروان این فرقه‌ها و توجیه آن به وسیله رهبران فرقه‌ها، پشتیبانی دربار از این فرقه‌ها جهت بهره‌برداری سیاسی از آنها و همچنین تلاش استعمار برای تقویت این جریانها به قصد تضعیف تشیع برای رسیدن به مقاصد خود، منجر به تقویت این فرقه‌ها و نحله‌های انحرافی در میان مردم ایالت کرمانشاهان شد.

۲. مراجع شیعی در عتبات با درک این مطلب که ایالت کرمانشاهان اصلی‌ترین راه تردد کاروان زوار شیعه به عتبات عالیات است و باید آیین مردم اصلاح شود، برای اسکان علمای شیعه به شهرهای مختلف این ایالت برنامه‌ریزی کردند. بنابراین علمای برجسته‌ای از شهرهای مرکزی ایران و عراق مانند خاندان آل آقا بهبهانی اصفهانی، حاج آخوند، فیض مهدوی، نجومی سمنانی، موسوی اجاق، جلیلی، محمدی عراقی و... جهت تبلیغ مذهب تشیع به این خطه مهاجرت نموده و اسکان یافتند. آنها با اتخاذ روشهای تبلیغ منطقی در رویارویی با فرقه‌ها و اندیشه‌های انحرافی و پاسخ‌گویی به شبهه‌ها و سؤالات مردم، سبب شدند که آن همه هیاهو و فتنه‌انگیزی فرو نشیند و مردم آگاهانه از پیرامون فرقه‌ها پراکنده گردند. در ضمن با نگاهی اجمالی به نوشته‌ها و آثار تألیف یافته به وسیله علمای شیعی اسکان‌یافته در این منطقه، می‌توان به برنامه‌ریزی و همت این افراد برای جلب توجه مردم منطقه به پذیرش تشیع پی برد. در نوشته‌های این علما به رساله‌هایی با عناوین رساله فی آداب الصلاة، رساله فی آداب الحج، رساله فی اصول‌الدین، رساله فی التقليد، شرح دعای ندبه، زیارت عاشورا و دیگر کتب مذهبی برمی‌خوریم که با قصد آشنا نمودن مردم منطقه با اصول و

۶۰. تاریخ تشیع در کرمانشاه، ج ۷، صص ۳۶۱-۳۴۳.

۶۱. مفاخر کرمانشاه، شرح حال عالمان و فضلاء کرمانشاه، ج ۱، ص ۳۰۱.

۶۲. همان، ص ۳۲۴.

۶۳. از کرمانشاه (قرمسین) تا کربلا در دو صده گذشته، ص ۲۳.

فروع دین و مبانی مذهب تشیع نگاشته‌اند. این امر ثابت می‌کند که علمای شیعی نقش اصلاحی خود را به بهترین شکل به انجام رساندند، تا جایی که در اواخر دوره قاجار

فرقه‌های نام برده یا به طور کلی از میان رفته و یا خیلی کم رونق جلوه کرده و امروزه کرمانشاهان اصلی‌ترین کانون تشیع در میان کردهای جهان به حساب می‌آید.

کتابنامه

- «ارزیابی عوامل اقتصادی، سیاسی و مذهبی در توسعه ساختار شهر کرمانشاه در دوره قاجار با تکیه بر شواهد تاریخی و باستان‌شناسی موجود»، محمدابراهیم زراعی؛ یدالله حیدری باباکمال، *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۳۲، ۱۳۹۶ ش.

- *از کرمانشاه (قرم‌سین) تا کربلا در دو صده گذشته*، هرمز بیگلری، کرمانشاه، هرمز بیگلری، ۱۳۸۹ ش.

- *بحار الأنوار*، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

- «بررسی نقش محبت به اهل بیت در کرمانشاه»، سید جواد حسینی کیا، *مجموعه مقالات سیبای مذهب کرمانشاه*، مقالات کنگره بزرگداشت احمد بن اسحاق، تهران، اسوه، ۱۳۸۹ ش.

- *برهان الحق*، نورعلی الهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۳ ش.

- *تاریخ تشیع در ایران*، رسول جعفریان، قم، انصاریان، ۱۳۷۵ ش.

- *تاریخ تشیع در کردستان*، کیومرث عظیمی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵ ش.

- *تاریخ تشیع در کرمانشاه*، محمدعلی سلطانی، تهران، سها، ۱۳۸۰ ش.

- *تاریخ رجال ایران*، مهدی بامداد، تهران، زوار، ۱۳۵۷ ش.

- *تاریخ سیاسی و جغرافیایی مردم کرد*، غلامرضا انصاف‌پور، تهران، ارمغان، ۱۳۷۹ ش.

- *تاریخ الطبری*، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۸ م.

- *تاریخ کرمانشاه در عهد قاجار*، هرمز بیگلری، کرمانشاه، طاق بستان، ۱۳۷۴ ش.

- *تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام*، مرتضی بن قاسم داعی حسنی رازی، تهران، اساطیر، ۱۳۶۴ ش.

- *تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان*، میرزا شکرالله سنجلی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.

- «تحقیق بیرامون فرقه اهل حق»، اسماعیل فبادی، *مجله کلام*، شماره ۱۴، ۱۳۷۴ ش.

- *دوره هفت‌واژه*، جزوی از نامه مینوی سرانجام، صدیق صفی‌زاده، تهران، طهوری، ۱۳۶۱ ش.

- «رویاری عالمان دین با فرقه‌های انحرافی در دوره قاجار»، سید عباس رضوی، *مجله حوزه*، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، ۱۳۸۰ ش.

- *زندگینامه سردار کابلی*، غلامرضا کیوان سمیعی، تهران، زوار، ۱۳۶۳ ش.

- «ژئوپولتیک فرهنگی؛ تحلیلی بر فرقه اهل حق»، معرفت فرجی؛ مسلم کریمیان زاده، *مجله پژوهش ملل*، شماره ۴۵، ۱۳۹۸ ش.

- *شیخ‌گیری*، بایگیری از نظر فلسفه، تاریخ و اجتماع، مرتضی مدرسی چهاردهی، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۵۱ ش.

- «ظهور و گسترش شیخیه در کرمان در دوره قاجار»، محمد خداوردی تاج‌آبادی، *مجله تاریخ ایران*، شماره ۶۵/۵، ۱۳۸۹ ش.

- *فتوح البلدان*، احمد بن یحیی بلاذری، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، سروش، ۱۳۶۴ ش.

- *مفاخر کرمانشاه*، شرح حال عالمان و فضایل کرمانشاه، علی کرچی، کرمانشاه، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه، ۱۳۹۰ ش.

- *میرژووی ثابینی زهر ده‌شت*، موبلغی ثابادانیه بدوللا، سلیمان، زه نجیره کنیبی ده زگای چاپ و په خشی سه ردهم، ۲۰۰۲ م.

- *نخستین رویاری‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بسورژوازی غرب*، عبدالهادی حائری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش.

- «نقش اصلاحی عالمان شیعه در دوره صفویه»، سید محمود مرعشی نجفی، *مجله میراث شهاب*، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳۸۷ ش.

- «نگاهی گذرا به زندگی عالمان کرمانشاهی در قرن سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هجری قمری»، ناصر بهرامی کرمانشاهی، *مجموعه مقالات سیبای مذهب کرمانشاه*، مقالات کنگره بزرگداشت احمد بن اسحاق، تهران، اسوه، ۱۳۸۹ ش.

- «واکاوی فعالیت فرقه‌های شیخیه و بابیه در عتبات عالیات در دوره قاجاریه»، لیلا امینی، *مجله پژوهش‌های علوم انسانی*، شماره ۳۳، ۱۳۹۳ ش.

